

بررسی تأثیر تحصّن علما در دانشگاه تهران بر روند پیروزی انقلاب اسلامی؛

رویکردی توصیفی

رشید جعفرپور کلوری^۱

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی مرهون تلاش‌ها و مجاهدت‌های علما و مردم مسلمان ایران طی دوران نهضت اسلامی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ بوده است. در سال ۱۳۵۷ به دلیل سرعت تحولات و همچنین اثرگذاری وقایع، برخی از حوادث به شدت می‌توانست سرنوشت انقلاب را دگرگون نماید. واقعه «تحصّن علما در دانشگاه تهران» در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ هم به لحاظ نوع کنشگری (تحصّن)، هم از حیث نوع کارگزار (علما)، هم از نظر موقعیت زمانی (۸ بهمن ۱۳۵۷) و هم به سبب موقعیت مکانی (دانشگاه تهران)، مجموعه خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که می‌تواند به عنوان یک «واقعه اثربخش» در پیروزی انقلاب اسلامی به حساب آید. سؤال اصلی این است که «تحصّن علما در دانشگاه تهران در هشتم بهمن هزار و سیصد و پنجاه و هفت چه تأثیری در پیروزی انقلاب اسلامی داشته است؟» طبق بررسی‌ها در اسناد و تاریخ شفاهی، نتیجه اثربخشی آن کنش سیاسی-اجتماعی را می‌توان در مؤلفه‌های مختلف، «بازتاب تحصّن در مطبوعات»، «بازتاب تحصّن در تاریخ شفاهی»، «بازتاب در شهرستان‌ها» و «تأثیر تحصّن بر تحولات بعد آن» مشاهده کرد. مقاله حاضر درصدد است با استفاده از روش تحلیل اسنادی، به تأثیر واقعه تحصّن علما در دانشگاه تهران در پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد. رویکرد مقاله، توصیفی-تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، علما، دانشگاه تهران، تحصّن.

۱. دکترای علوم سیاسی و قائم مقام معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران.

rjafarpoor@yahoo.com

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

Examining the Impact of the Clergy's Sit-in at the University of Tehran on the Victory of the Islamic Revolution: A Descriptive Approach

Rashid Jafarpour Kolouri¹

Abstract

The victory of the Islamic Revolution was the result of the efforts of the clergy and the Muslim people of Iran during the Islamic Movement from 1962 to 1979. In 1979, due to the rapid pace of developments and the impact of events, certain incidents had the potential to significantly alter the course of the revolution. The event of the "Clergy's Sit-in at the University of Tehran" in February 1979 is unique in terms of the nature of the action (sit-in), the actors involved (the clergy), the timing (February 8, 1979), and the location (University of Tehran). These characteristics make it a "highly impactful event" in the victory of the Islamic Revolution. The main question is: "What impact did the clergy's sit-in at the University of Tehran on February 8, 1979, have on the victory of the Islamic Revolution?" According to an analysis of documents and oral history, the effectiveness of this socio-political action can be observed in various components, including "the sit-in's reflection in the press," "its reflection in oral history," "its impact in provincial cities," and "its influence on subsequent developments." This article seeks to examine the impact of the clergy's sit-in at the University of Tehran on the victory of the Islamic Revolution using a documentary analysis method. The approach of the article is descriptive-analytical.

Keywords: Islamic Revolution, Clergy, University of Tehran, Sit-in.

¹. Phd in Political Sciences and Acting Assistant of Farhangi and Social Sciences, Ministry of Sciences, Research and Technology, Tehran, Iran.

مقدمه

متفکران، آغاز انقلاب اسلامی ایران را سال ۱۳۴۱ می‌دانند و امام خمینی در نامه‌ای که به حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی در ۲۵ دی ۱۳۶۷ درباره تدوین تاریخ انقلاب اسلامی می‌نویسد، آغاز انقلاب اسلامی را از سال ۱۳۴۱ عنوان می‌کند (امام خمینی، صحیفه ۲۳۹: ۲۱). از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ حوادث و وقایع قابل توجهی در انقلاب اسلامی صورت گرفته است که هرکدام از آنها سطح اثرگذاری متفاوتی داشته است. همچنین در مورد میزان و کیفیت حضور افراد و شخصیت‌ها در حوادث انقلاب نیز تفاوت‌های زیادی وجود دارد. برای مثال ممکن است که در یک حادثه یک نفر مؤثر باشد و در حادثه‌ای جمع زیادی درگیر ماجرا شده باشند. علاوه بر آن، مکان و موقعیتی که حادثه صورت گرفته نیز در میزان اهمیت و اثرگذاری آن نقش مهمی دارد. در واقع، انقلاب اسلامی حاصل برآیند همه رخدادها و حوادثی است که در طی آن پانزده سال به وقوع پیوسته‌اند. ضمن اینکه برخی از این حوادث بدون دخالت معنی‌دار نیروهای انقلابی صورت گرفته و برخی نیز با برنامه‌ریزی نیروهای انقلابی انجام شده و برنامه‌ریزی آنها در زمینه مکان، زمان، کیفیت و نیز اثرگذاری آن نقش داشته است. متون تاریخی با بررسی هرکدام از حوادث، تلاش می‌کنند به ثبت و ضبط آن واقعه بپردازند و آن را در تاریخ ماندگار نموده و در ماندگار کردن حوادث هم متفاوت عمل نموده‌اند.

یکی از مهم‌ترین حوادثی که با وجود اهمیت زمانی، مکانی، سطح حضور کنشگران و میزان اثرگذاری در تاریخ انقلاب اسلامی، کمتر به آن پرداخته شده، حادثه تحسن علما در دانشگاه تهران در تاریخ هشتم بهمن ۱۳۵۷ بوده است. با مرور کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با انقلاب اسلامی، می‌توان دید که به طور گزرا به این حادثه پرداخته و به ابعاد آن توجه کافی نداشته‌اند. این مقاله تلاش دارد با بررسی واقعه، به تأثیر این حادثه بر پیروزی انقلاب

اسلامی پردازد، و در این راستا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش مطالعه اسنادی براساس منابع کتابخانه‌ای و تاریخ شفاهی، به تبیین وجوه مختلف آن پردازد.

۱. پیشینه تحقیق

درباره واقعه تحصن علما در دانشگاه تهران در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۵۷ به‌طور پراکنده در مطبوعات و سایت‌ها و نیز در مصاحبه شخصیت‌های حاضر در آن حادثه مطالبی عنوان شده است. در کتاب‌هایی که به تحولات انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، نکاتی در شرح ماجرای آن واقعه بیان نموده‌اند. به عنوان نمونه:

حسینیان در کتاب «یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه» به شرح ماجرای تحصن می‌پردازد. وی از روند شکل‌گیری تحصن، نحوه پیوستن علما به این تحصن و صدور اطلاعات و اعلامیه‌ها و اینکه چگونه رژیم درنهایت مجبور به بازکردن فرودگاه شده، اشاره نموده است. حسینیان آورده است که: «دو روز از تحصن روحانیون گذشت که دولت مجبور شد اعلام کند فرودگاه باز شده است. فرودگاه تهران از صبح روز دهم فعالیت خود را آغاز کرد. ... سرانجام دولت اعلام کرد که با فرود هواپیمای ایرفرانس حامل امام خمینی موافقت شده {است}...» (حسینیان، ۱۳۸۷: ۹۱۴).

مدنی در کتاب «تاریخ سیاسی معاصر ایران» به شرح واقعه تحصن علما در دانشگاه تهران می‌پردازد و به تأثیرگذاری این واقعه در مجبور شدن دولت پهلوی بر بازکردن فرودگاه اشاره می‌کند. مدنی آورده است: «تحصن در اعتراض به اقدام شاپور بختیار در لغو برنامه ورود امام خمینی به کشور بود. ... به روش‌های گوناگون از آن ممانعت نموده، اما این کار باعث شد مسئله بازگشت رهبر انقلاب اسلامی بسیار مهم تلقی گردد و به عنوان مهم‌ترین درخواست گردهمایی‌ها و تظاهرات بزرگ و عظیم مردم شود و در این راستا، مسجد دانشگاه تهران کانون اصلی این خواست مردمی شود.» (مدنی، ۱۳۹۱: ۴۴۴-۴۴۵).

اگرچه در برخی از سایت‌ها از جمله سایت تاریخ شفاهی ایران و سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، گزارشی از تحسن مذکور ارائه شده، اما کتاب یا مقاله‌ای که مختص عنوان مقاله حاضر باشد، نوشته نشده است، بنابراین مقاله از این نظر جنبه نوآوری داشته و تلاش می‌کند اثرگذاری این واقعه را به لحاظ اهمیت بر حوادث بعد از آن بررسی نماید.

۲. روش‌شناسی (روش تحلیل اسنادی)

روش تحلیل اسنادی روشی است که در آن تحلیل‌گران با استفاده از تحلیل اسناد و مدارک پدیده‌ها و حوادث را مطالعه و بررسی نمایند. در پژوهش‌های علوم انسانی با ویژگی‌های عمده روش‌شناختی، به‌خصوص در حوزه مطالعات تاریخی، روش پژوهش تحلیل اسنادی به کار گرفته می‌شود. برای استفاده روشمند، نظام‌یافته و هدفمند از روش اسنادی، آگاهی از زمینه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و جنبه‌های کاربردی آن لازم است. در این روش، منابع و اسناد موجود به‌عنوان ابزاری برای فهم و درک معانی، اهداف و انگیزه‌های فعالان و عاملان اجتماعی و پی‌بردن به محتوای پدیده‌های اجتماعی به حساب می‌آیند.

روش تحلیل اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است (مجدفر، ۱۳۸۲: ۲۷۶). پایه این روش تحقیق بر اساس استفاده از اسناد و مدارک بنا نهاده شده و زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یا پژوهشی تاریخی در حال انجام باشد و یا آنکه پژوهش، مرتبط با حوادث و پدیده‌های موجود بوده و پژوهشگر در پی شناسایی پژوهش‌های قبلی در مورد آن موضوع و حادثه باشد و یا آنکه پژوهش، به استفاده از اسناد و مدارک نیاز داشته باشد و درواقع بخواهیم در یک زمینه خاص، منبع‌یابی نماییم (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶)

روش تحلیل اسنادی نیازمند تکافو و جست‌وجو از نوع «توصیفی و تفسیری» می‌باشد. در این روش، پژوهشگر علاقه‌مند است که از درک اهداف و انگیزه‌های نهفته در اسناد و متن‌ها یا تفسیر و تحلیل‌های تأویلی یک متن عبور نموده و آن را به عنوان زبان و گفتمان

مکتوب و نوشتاری مؤلف، پذیرفته و در استناد از آن بهره ببرد (نک: مگالاکوی، ۲۰۰۶: ۲۲۲). در این صورت، در روش تحلیل اسنادی، ساختار و زمینه معرفت‌شناختی و روش‌شناختی بیشتر به زمینه و گفتمان تفسیری متمایل است. اسنادی که در تاریخ به آنها می‌توان استناد کرد با توجه به وقایع و زمانی که وقایع حادث شده‌اند، می‌تواند متفاوت باشد. اسناد مکتوب، نامه‌ها، یادداشت‌ها، مطبوعات، تاریخ شفاهی، دست‌نوشته‌ها و ... بخشی از اسنادی هستند که قابل استناد می‌باشند.

۳. شرح مفاهیم:

۱-۳. تحصّن

این اصطلاح در لغت به معنای پناه گرفتن در قلعه و در حصارشدن است (معین، ۱۳۷۳). تحصّن ابتدا به مفهوم بست‌نشینی بوده، اما به مرور زمان مفهوم متمایزی پیدا کرد و بیشتر در قالب اعتراض سیاسی ظاهر شد، هرچند که بست‌نشینی نیز گاه همین کارکرد را داشت. پناه‌بردن به جای مورد احترام مانند؛ مزار امام، امامزاده و مسجد، و نیز نوعی اقامت یا توقف دسته‌جمعی در یک مکان مهم به نشانه اعتراض سیاسی را تحصّن گویند. تحصّن یا بست‌نشینی در اصطلاح گونه‌ای کنش اعتراضی است که در آن فرد یا افرادی با اشغال یک مکان یا منطقه و بیشتر برای ترویج تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به آن دست می‌زنند. معمولاً معترضان در یک تحصّن، در یک موقعیت راهبردی می‌نشینند و دست به تحصّن می‌زنند و آن‌قدر در آن جای می‌مانند تا زمانی که از آنجا یا با توسل به زور یا دستگیر شدن اخراج شده یا درخواست‌شان برآورده شود. اگر در پی کاهش مشروعیت نظام، شاهد بروز واکنش‌هایی عینی در جامعه باشیم ممکن است تحصّن نیز یکی از آن واکنش‌ها باشد (افتخاری، ۱۳۷۷: ۷۶).

از جمله تحصن‌های سیاسی مهم، تحصن تجار در حرم حضرت عبدالعظیم در اعتراض به مسیو نوز بلژیکی، رئیس گمرک ایران و تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم پس از مهاجرت کبرا برای تأسیس عدالتخانه و مخالفت با عین‌الدوله، صدراعظم مظفرالدین شاه بود (خالصی، ۱۳۶۶: ۱۵۹).

۲-۳. انقلاب اسلامی

پدیده انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات تاریخ بوده که در سده بیستم صورت گرفته و در شمار مهم‌ترین و اثرگذارترین جنبش‌های اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. این انقلاب با توجه به ماهیتی که داشته، تعاریف موجود از انقلاب و نیز نظریه‌های انقلاب را به‌طور کلی به چالش کشیده است. این چالش باعث شده که اندیشمندان ضرورت ارائه تعریف جدیدی از انقلاب را لازم بدانند. البته سویه عدم اتفاق نظر در فهم و درک مفهومی پدیده انقلاب، تا حدود زیادی مربوط به پیچیدگی انقلاب به‌عنوان یک اتفاق و پدیده اجتماعی و سیاسی است که متأثر از پیچیدگی و ناشناختگی انسان به‌ماهو انسان می‌باشد. با این حال، لازم به ذکر است که شاید بتوان از طریق فهم مناسبات و تحولات این‌گونه تغییرات و دگرگونی‌ها، به برداشتی همراه با رضایت و اقتناع از معنا و مفهوم انقلاب نائل شد. از این نظر، انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد و ممتازی دارد که آن را از دیگر انقلاب‌ها و پدیده‌های مشابه در جهان ممتاز می‌نماید و مفهوم نوینی از انقلاب ارائه می‌نماید. برخی از این ویژگی‌ها و خصوصیات آن از نظر رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، از این قرارند:

۱ - برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف شیعه در طول هزار سال،

۲ - انقلاب اجتماعی همه‌جانبه همراه با تحول بنیادین در زندگی انسان‌ها،

۳- استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان در مراحل اوج گیری و سازندگی انقلاب،

۴- بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد جهانی و بشری،

۵- حاکم‌سازی فرهنگ توحیدی به جای فرهنگ الحادی و استبدادی،

۶- شکل‌گیری بر مبنای نظم و انضباط انقلابی. (شفیعی، ۱۳۸۵: ۱)

۴. شرح واقعه

یکی از اقدامات بختیار به منظور به تأخیر انداختن بازگشت امام خمینی، بستن فرودگاه‌های سراسر کشور بود. کارکنان هواپیمایی ملی ایران اعتصاب کرده بودند و مشتاق بودند که افتخار بازگرداندن امام به میهن را داشته باشند. بختیار دستور صادر کرده بود که فرودگاه مهرآباد را ببندند و ربیعی هم مسئول اجرای آن شده بود، اما فضای کشور آماده استقبال از امام بود. آیت‌الله طالقانی با صدور پیامی خطاب به ملت ایران بستن فرودگاه‌ها برای جلوگیری از ورود امام خمینی را موجب نگرانی و تأسف عموم اعلام کرد. اعتراضات فراگیر مردمی صورت گرفت، حتی نیروهای نظامی نیز اعتراض کردند. (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۲۷۱). از جمله اقشاری که به طور جدی در مورد اقدام بختیار موضع گرفتند روحانیان بودند که هم بیانیه‌های مختلف صادر نمودند و هم به طور دسته‌جمعی در دانشگاه تهران تحصن کردند. در حقیقت خبر بازگشت امام خمینی به کشور، در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۵۷ قوت بیشتری پیدا کرد. در آن روز بختیار، برای ممانعت از ورود و حضور امام به ایران، اعلام کرد که هیچ‌کدام از شرکت‌های هواپیمایی بین‌المللی حق پرواز به تهران را ندارند. به علاوه، بختیار دستور داد، تانک‌ها و زره‌پوش‌ها با حضور در فرودگاه مهرآباد مانع ورود امام به ایران شوند. دولت بختیار اعلام کرد که همه فرودگاه‌های کشور باید سه روز بسته باشند و هواپیماها حق رفت‌وآمد ندارند و در این حالت بود که یاران امام با

توجه به بسته بودن فرودگاه و وضعیت خطر، اعلام کردند سفر امام به تهران، به صلاح نیست و باید دو روز به تأخیر بیفتد.

با بررسی و مطالعه اسناد و روایت‌های موجود می‌توان فهمید که دست‌اندرکاران کمیته استقبال امام به شدت مشغول آماده‌سازی مقدمات سفر امام بودند که در روز ۲ بهمن ۱۳۵۷ از طرف دفتر امام در شهر پاریس خبر آمد که امام در روز ۵ بهمن به ایران بازخواهد گشت. این تصمیم مهم و امیدبخش، عمده طرح‌ها و راهبردهای دولت بختیار و به‌ویژه اقدامات دولت آمریکا که تلاش کرده بود با اعزام هاینر زمینه اختلال و حتی کودتا در ایران را فراهم نماید، بی‌اثر و خنثی نمود. این خبر و در نهایت سفر تاریخی امام باعث شد که دولت بختیار اعلام کند نمی‌تواند زمینه امنیت در فرودگاه و پس از آن را برای ورود و حضور امام و همراهانش را در کشور تأمین نماید. بختیار به دولت دستور ویژه داد که از روز ۴ بهمن‌ماه، همه فرودگاه‌های کشور را ببندد تا از بازگشت امام به ایران جلوگیری نماید. از این جهت می‌بینیم که به‌ناچار مراجعت امام با تأخیر روبه‌رو شده و در نتیجه روحانیان مبارز تلاش کردند در طی چند روز آینده راهکاری پیدا نمایند. علمای بلاد، مدرسین قم و جامعه روحانیت تهران که در محل کمیته استقبال، مدرسه رفاه گرد آمده بودند در ساعت‌های آخر روز هفتم بهمن پس از مذاکرات ملاقات بختیار با امام خمینی، تصمیم گرفتند که از صبح فردا در مسجد دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به بستن فرودگاه‌ها دست به تحسن بزنند (حسینیان، ۱۳۸۷: ۹۱۱).

تحسن علما در ۸ بهمن ۱۳۵۷ در اعتراض به اقدام شاپور بختیار در لغو برنامه ورود امام به کشور صورت گرفت. به عبارتی، بعد از تصمیم امام مبنی بر بازگشت، چون افراد بازمانده رژیم پهلوی زیر حمایت آمریکا، مراجعت امام را مغایر با منافع خود می‌دانستند، به روش‌های مختلف مانع‌تراشی می‌کردند، اما این ممانعت و تلاش بی‌فایده سبب شد که مسئله مراجعت امام به عنوان مهم‌ترین مسئله تلقی شده و به اولین خواست مردم در

اجتماعات و تظاهرات بزرگ تبدیل شد. در این میان، مسجد دانشگاه تهران به عنوان یک مرکز دینی، فکری و فرهنگی، به کانون اصلی و مورد توجه این خواست و اراده عمومی مردم تبدیل شود. (مدنی، ۱۳۹۱: ۴۴۴-۴۴۵) در مورد تعداد و افراد شرکت کننده در تحصن آمارهای متفاوتی ارائه شده است، اما به نقل از برخی از منابع معتبر، تعداد علمای تحصن کننده به حدود پانصد نفر می رسد. آقایان بهشتی، مطهری، اشرفی اصفهانی، طالقانی، باهنر، خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، امامی کاشانی، یزدی، مشکینی، صدوقی و... از جمله تحصن کنندگان بودند.

از صبح روز ۸ بهمن ماه، تحصن با مشارکت و هدایت بیش از چهل نفر از علما و شخصیت های فعال و مبارز تهران شروع شد و از همان ساعت های آغازین، گستره آن با حضور روحانیان و شخصیت های مبارز، توسعه پیدا نمود. حضور علما و روحانیان شهرهای دیگر در این تحصن محسوس بود. باید به این نکته توجه داشت که راهبرد تحصن کنندگان در زمینه انتخاب مسجد دانشگاه به عنوان مکان تحصن، راهبردی دقیق و عالمانه بود که این گزینش و انتخاب دقیق و هوشمندانه به تجمع گسترده و فشرده صف های مردم به خصوص دو طیف روحانیان و دانشگاهیان و در نتیجه، تسلیمشان و گردن نهادن دولت بختیار به اراده و خواست مردم کمک قابل توجهی نمود. جمع حاضر در مسجد (تحصن کنندگان اولیه) شامل حدود بیست عالم از جامعه روحانیت مبارز تهران و حدود بیست نفر از علما و روحانیان شهرهای دیگر ایران بودند. افراد تحصن کننده در مسجد دانشگاه تهران اعلام نمودند که تا بازگشت امام خمینی به وطن، به این تجمع و تحصن خود پایبند بوده و ادامه خواهند داد. روز ۱۰ بهمن ماه، تحصن علما در مسجد دانشگاه تهران گسترش بیشتری پیدا نموده و با اعلام تعداد زیادی از روحانیان و شخصیت ها به این تحصن مهم، مردم زیادی (بیش از دو هزار نفر) در آن مسجد حضور پیدا نموده و تحصن فراتر از تصور دولت شکل گرفت.

مؤلفه‌های اثرگذار واقعه			
کنشگری	کارگزار	موقعیت زمانی	موقعیت مکانی
تحصن	علما و روحانیان	۸ بهمن ۱۳۵۷	مسجد دانشگاه تهران

نمودار شماره (۱) _ مؤلفه‌های اثرگذار تحصن علما در دانشگاه تهران _ (نویسنده)

چون متحصّنان احتیاج به تدارکات و پشتیبانی داشتند، مرحوم حاج سید عبدالمجید ایروانی از ائمه جماعات تهران به کمک دوستان بازاری خود خرج پذیرایی از متحصّنان را بر عهده گرفت (رسولی محلاتی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). روحانیان، علما، برخی از شخصیت‌ها و گروه‌ها حمایت خود را از این تحصن اعلام نمودند. علما و شخصیت‌های مذهبی در روز تحصن خطاب به مردم ایران، با تدوین و نشر اعلامیه‌ای، اظهار کردند که تا مراجعت امام به ایران، به تحصن خود در مسجد دانشگاه تهران تداوم داده و خروج از تحصن را منوط به بازگشت امام نمودند. در قسمتی از این اعلامیه، آمده است: «ملت مسلمان ایران! حکومت غیرقانونی و غاصب شاپور بختیار در بی‌شرمی و اهانت به حیثیت ملت ایران روی پیشینیان نوک‌رصف خود را سفید کرد. در روز جمعه ۶ بهمن در تهران، تبریز و رشت و گرگان و آبادان و سنندج و بعضی شهرستان‌های دیگر دست به کشتارهای فجیع و وحشیانه زد و با بستن فرودگاه‌های کشور بر روی رهبر محبوب ملت، آیت‌الله العظمی امام خمینی — دامه ظلّه — احساسات پاک مردم شرافتمند ایران را ... سخت جریحه‌دار ساخت؛ ... اینجانبان به عنوان اعتراض به اعمال ضدانسانی دولت غیرقانونی بختیار از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۸ بهمن‌ماه جاری تا بازگشت حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی — دام ظلّه — به وطن به آغوش پر از مهر ملت، در مسجد دانشگاه تهران تحصن اختیار می‌کنیم» (مدنی، ۱۳۹۱: ۴۴۴-۴۴۵).

گذشته از بیانیه علما، برخی از نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مردمی نیز با صدور بیانیه‌هایی، اقدامات دولت بختیار را محکوم کردند. ازجمله این بیانیه‌ها می‌توان به بیانیه شورای مرکزی هماهنگی اشاره کرد که در روزنامه‌های آن روز نیز انعکاس یافت. در بخشی از این بیانیه آمده است: «در اعتراض به دستگیری ننگین امپریالیسم جهانی و نوکران سرسپرده و جیره‌خوار آن، که به مسند خیانت و جنایت تکیه کرده‌اند و در این لحظات حساس تاریخ‌ساز می‌خواهند با دسایس گوناگون چون اشغال نظامی رادیو و تلویزیون، سازمان بنادر و گمرک بندرعباس و فرودگاه‌های کشور و کشتارهای ننگین سراسر کشور و تکرار جمعه سیاه، انقلاب ایران را به رهبری امام خمینی با توطئه روبه‌رو سازند. اعضای شورای مرکزی هماهنگی سازمان‌های دولتی و ملی ایران ضمن شرکت و همگامی، پشتیبانی خود را از تحصن جامعه روحانیت در مسجد دانشگاه اعلام داشته و تا باز شدن فرودگاه، جهت ورود رهبر بزرگ انقلاب ملت ایران، امام خمینی به تحصن خود ادامه خواهند داد» (اطلاعات، ۱۳۵۷: ۸).

در بین اعلامیه‌های منتشرشده، اعلامیه‌ای هم منسوب به جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران وجود دارد که حاکی از تأثیر این تحصن بر دانشجویان کشور است. در بخشی از این اعلامیه هم که در روزنامه «اطلاعات» آن روزها منتشر شده، آمده است: «جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در بیانیه‌ای ضمن اعلام مخلوع‌بودن شاه و غیرقانونی بودن دولت شاپور بختیار، پشتیبانی کامل خود را از تحصن روحانیون، که همچون اسلاف خود پرچمدار قیام‌های ملت مسلمان ایران علیه ظلم و استبداد و استعمار می‌باشند، ابراز داشته و هم‌صدا با ملت شجاع ایران هرگونه دسیسه و توطئه علیه بازگشت امام خمینی و استقرار جمهوری عدل اسلامی را شدیداً محکوم می‌کند» (همان).

تحصن علما و روحانیان در مسجد دانشگاه تهران، توسط مراجع تقلید و مردم مورد حمایت شدید قرار گرفت و این حمایت‌ها و استقبال گسترده مردم شرایطی را پدید آورد که در

نهایت دولت بختیار به‌رغم میل باطنی، مجبور شد فرودگاه‌ها را باز نموده و به‌اجبار از دستور و خواسته خود عقب‌نشینی نماید. فرودگاه تهران روز دهم بهمن فعالیت خود را آغاز کرد. این تحصن تا روز دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ ادامه داشت و با ورود امام خمینی به تهران، روحانیان تحصن‌کننده با انتشار بیانیه‌ای پایان تحصن خود را اعلام کردند و به صفوف استقبال‌کنندگان از امام پیوستند.

۵. تأثیر در پیروزی انقلاب اسلامی

۵-۱. اهمیت انتخاب دانشگاه تهران برای تحصن

دانشگاه تهران به دلیل قدمت و نیز وضعیت نخبگی و تأثیرگذاری اجتماعی آن، کانون تحولات مختلف در تاریخ معاصر بوده است. اثرگذاری آن به‌گونه‌ای بوده که بسیاری از مسائل انقلاب در حوالی آن صورت گرفته است. استادان و دانشجویان دانشگاه تهران در سال‌های منتهی به انقلاب در حوادث گوناگون انقلاب حضور داشته‌اند و گروه‌ها و احزاب مختلف نیز به فراخور توان و ظرفیت خود، تلاش کرده‌اند طی سالیان مختلف از دانشجویان و استادان دانشگاه تهران یارگیری نمایند. اوج تحولات انقلاب در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به‌گونه‌ای بوده که عمده وقایع و حوادث آن در حوالی دانشگاه تهران بازتاب داشت. نام‌گذاری خیابان جلوی دانشگاه تهران به نام «خیابان انقلاب اسلامی» نشان‌دهنده اهمیت دانشگاه تهران در تحولات انقلاب اسلامی می‌باشد، چراکه این خیابان به‌دلیل مرکزیت در تهران و نیز داشتن کتاب‌فروشی‌های مختلف توانسته بود محل عرضه بیانیه‌ها، منشورات، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و شب‌نامه‌های مختلف انقلابی باشد و دانشگاه تهران محل تضارب آراء و اندیشه‌های انقلابی گردد. بنابراین انتخاب دانشگاه تهران برای تحصن چند روز قبل از ورود امام می‌تواند از این جهت معنی‌دار باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی که در آن زمان عضو شورای انقلاب بود و در تحصن دانشگاه تهران نقش محوری ایفا می‌کرد، درباره علت تحصن و انتخاب محل آن در مصاحبه‌ای می‌گوید:

«آن شبی که قرار بود ما صبح برویم تحصن بکنیم، آن روزی بود که امام قرار بود بیایند و نیامدند، ما رفتیم در بهشت‌زهرا و شهید بهشتی سخنرانی کردند و بنده قطعنامه را خواندم... یک سخنرانی شهید بهشتی کردند، بعد هم یک قطعنامه‌ای تهیه کرده بودیم. من هم رفتم قطعنامه را خواندم و برگشتیم. وقتی که برگشتیم صحبت شد که حالا قدم بعدی چه باشد؟ فکر تحصن در تهران بی‌ارتباط به تجربه تحصن در مشهد نبود، یعنی تجربه موفق تحصن بیمارستان مشهد تشویق‌کننده بود به این تحصنی که در تهران انجام گرفت. مدتی بحث شد که کجا تحصن انجام بگیرد، بعضی می‌گفتند در مسجد بازار- مسجد امام که آن وقت اسمش مسجد شاه بود- آنجا تحصن انجام بگیرد، بعضی جاهای دیگر را پیشنهاد می‌کردند. یک وقت پیشنهاد دانشگاه هم شد که دیدیم بسیار جالب و از همه جهت این خوب هست» (مصاحبه رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۱۱/۱۱).

همفکری علما و روحانیان برای انتخاب مکان برای تحصن مهم بود. بر اساس ارزیابی‌هایی که صورت گرفته بود و نیز اثرگذاری که ممکن است دانشگاه تهران به عنوان کانون حوادث و تحولات انقلاب اسلامی، نسبت به دیگر مکان‌ها داشته باشد به عنوان مکان تحصن انتخاب شد. حجت‌الاسلام سید حسن طاهری خرم‌آبادی در «کتاب پاره‌ای از خورشید»، درباره انتخاب دانشگاه تهران به عنوان محل تحصن علما می‌نویسد:

«یادم می‌آید که در مدرسه رفاه جمع شده بودیم که چه باید بکنیم و چه نباید بکنیم. پیشنهاد تحصن مطرح شد. دکتر بهشتی و آقای مطهری و آقای خامنه‌ای و خیلی‌های دیگر بودند. بعضی از دوستان اعتقاد داشتند تحصن در مسجد امام فعلی (مسجد شاه سابق) کنار

بازار باشد، اما آقای مطهری گفتند که تحصن در دانشگاه باشد و بالاخره هم همان شد»
(ستوده و سیدناصری، ۱۳۷۸: ۲۵۳).

دانشگاه تهران محل برگزاری سخنرانی‌ها، میتینگ‌ها و محل رفت‌وآمد استادان، علما و دانشجویان بود. در روزهای منتهی به انقلاب، این نشست‌ها و تجمعات بیشتر می‌شد. گروه‌های مختلف دانشجویی با حمایت و هدایت از بیرون دانشگاه تلاش می‌کردند ایدئولوژی خاص خود را به پیش ببرند. جریان‌های ملی‌گرا از یک‌سو و جریان‌های مذهبی از سوی دیگر، با برگزاری نشست‌ها و میتینگ‌ها تلاش می‌کردند جریان غالب را داشته باشند. از روز هشتم که علما تحصن کردند، جریان غالب دانشگاه به دست نیروهای انقلابی مذهبی افتاد و توانستند تعداد زیادی از علما را در آنجا جمع کنند و سخنرانی‌های متعدد برای روشنگری انجام دهند و در واقع بین جریان روحانیت و دانشجویان انسجام ایجاد نمایند. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حوادث آن روز به ابعادی از این وحدت دانشجویان و مبارزان اشاره می‌کند:

«این پنج روزی که گذشت جزو آن مقاطع بسیار عظیم و به‌یادماندنی تاریخ ماست، اینها را باید به یاد نگهدارید. فراموش نمی‌کنم که در مسجد دانشگاه یا آن جلوی پله‌های دانشگاه، غالباً دائماً سخنرانی بود. گاهی هم می‌آمدیم توی دانشگاه جمعیتی حرکت می‌کردیم. یک روز توی همین خیابان اینجا جلوی در دانشگاه نیروهای رژیم پهلوی حمله کرده بودند به یک عده‌ای از جوان‌ها و از مردم و کشتار می‌کردند، به ما خبر دادند ما راه افتادیم، از آن کسانی که آن‌روز بودند من یادم هست مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی رحمه‌الله‌علیه است. دوستان دیگر هم بودند من یادم از آن‌ها نیست، راه افتادیم آمدیم این جوان‌های دانشجو آمدند مانع شدند گفتند ما نمی‌گذاریم شما بروید توی این خطر و در مقابل تیرهای دشمن. ما گفتیم ما باید برویم با جان خودمان از این جوان‌ها دفاع کنیم. بالاخره آنها نگذاشتند ما را برگردانند. این پیوند عظیم، این عواطف جوشان، این عزم، این

از خودگذشتگی‌هایی که انسان مشاهده می‌کرد» (خطبه‌های نماز جمعه آیت‌الله خامنه‌ای، ۷ بهمن ۱۳۶۳).

با شروع تحصّن، سیل بی‌شمار جمعیت به سمت دانشگاه تهران سرازیر شد. روحانیان مختلف هم خود را به هر طریق به مسجد دانشگاه می‌رساندند و به تحصّن‌کنندگان می‌پیوستند. مردم عادی که در اطراف دانشگاه، آن را چون حلقه نگین در برگرفته بودند فزون از شمارش بود و جمعیت متحصّنان هم به سرعت به چند صد نفر رسید و در روزهای بعد حتی به دو هزار نفر هم افزایش یافت. آقای درّی نجف‌آبادی در همین باره گفته است: «[در آغاز تحصّن] هنگامی که در مسجد بودم آیت‌الله مؤمن به من گفت که تعداد متحصّنین را بشمارم. من نیز آن‌ها را شمردم که در ساعات اولیه روز حدود ۲۵۰ نفر بودند. البته پس از آن، رفته‌رفته فضلا و علمای قم و شهرستان‌ها به طور دسته‌جمعی به جمع متحصّنین پیوستند» (خاطرات آیت‌الله قربانعلی درّی نجف‌آبادی، ۱۳۸۴:۲۰۴). مردم به جز حضور در تحصّن با ارسال پتو، مواد غذایی و ... پشتیبانی کاملی از تحصّن نمودند. خبرنگار کیهان در این باره نوشته است: «تعداد روحانیون مبارز تا ظهر امروز از چهارصد نفر تجاوز کرد. از جمله برنامه‌های تحصّن‌کنندگان در مسجد دانشگاه تهران تلاوت و ترجمه آیات قرآن کریم است. آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی‌رفسنجانی و استاد مطهری در جمع تحصّن‌کنندگان سخنرانی ایراد می‌نمایند. شیخ مصطفی رهنما همکار مطبوعاتی ما و بانی مسلم آزاد نیز مقارن ظهر به جمع متحصّنان در مسجد دانشگاه تهران پیوست.» (کیهان، ۱۳۵۷:۹)

۵-۲. زمان‌شناسی مناسب علما برای تحصّن

نکته مهم دیگری که باید در این تحصّن به آن اشاره کرد، زمان‌شناسی مناسب علما برای تحصّن بود، چراکه اگر در آن زمان تحصّن صورت نمی‌گرفت، امکان بازگشت امام به

ایران دچار وقفه و یا اختلال می‌شد. امام که تصمیم گرفته بود در روزهای آغازین بهمن به ایران بیاید بایستی شرایط آن فراهم می‌شد. اما با تصمیم بختیار ممکن بود شور انقلابی در افراد از بین برود و در فرایند بازگشت امام اختلال ایجاد شود. بنابراین انتخاب هفته اول بهمن زمان مناسبی برای تحصن بود. این تحصن الزامات بسیاری داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در مصاحبه‌ای در دهم آبان ماه ۱۳۶۵، بیان نموده است:

«در تحصن کار زیادی ما داشتیم زیرا که اولاً لازم بود عده متحصنین، عده قابل توجهی بشوند و از شخصیت‌های برجسته‌ای باشند که حضور آنها در یک مسجد، آن هم در دانشگاه بتواند دو قشر روحانی و دانشگاهی را کاملاً متوجه کند و نیز احتیاج به این بود که بتوانیم ما در آن جمعی که در آن چند روزی که بناست آنجا باشیم به طور کامل علی‌رغم فشارهایی که بود و خیابان‌ها به خاطر رفت‌وآمد نظامی‌ها، حکومت نظامی، رفت‌وآمدش دشوار بود تدارک بشویم. یعنی تدارک فکری، مطبوعاتی، - نمی‌دانم - پشتیبانی‌های معمولی تدارکاتی و اینها لازم بود که کسانی از علماء که نمی‌توانند اینجا بمانند، رفت‌وآمد کنند، بیایند و بروند. لازم بود که کسبه و بازاری‌ها که نقش مؤثر و مهمی داشتند متوجه بشوند که یک چنین تحصنی هست و ارتباط داشته باشند و همچنین قشرهای دیگری که بودند که آن وقت اداری‌ها هم شروع کرده بودند به ارتباط و همچنین کارگراها از کارخانه‌ها و در خلال این همه لازم بود که جان این عده محفوظ بماند. برای خاطر اینکه هم گفته می‌شد که از طرف مزدوران رژیم سوءقصدهایی نسبت به چند نفر یا چندین نفر ممکن است آن روزها انجام بگیرد و همین که همان‌طور می‌دانید درگیری بود، تو خیابان‌های جلوی دانشگاه درگیری بود. همان روزهای تحصن ما چند تا شهید جلو دانشگاه داده شد و ممکن بود بریزند داخل دانشگاه» (شاهد یاران، ۱۳۸۹: ۱۱).

دو روز از تحصن روحانیان می‌گذشت که دولت مجبور شد اعلام کند که فرودگاه باز شده است. اعتراضات فراگیر و از جمله تحصن علما در دانشگاه تهران، دولت بختیار را

مجبور به عقب‌نشینی کرد. بختیار مجبور به مصاحبه شد و دستور باز کردن فرودگاه‌ها را داد. پس از انتشار مصاحبه بختیار، ارتشبد قره‌باغی با بختیار تماس گرفت و گفت: «چطور برخلاف تصمیم اولیه شورای امنیت ملی و بدون مشورت فرودگاه‌ها را باز اعلام کردید؟» بختیار گفت: «اگر آیت‌الله به ایران نیاید مردم آرام نخواهند داشت. برای اینکه آرامش در کشور برقرار شود لازم است ایشان بیایند. ...» (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۲۷۷).

جمع‌شدن تعداد زیاد علما و مردم در یک زمانِ نزدیک به ورود امام به ایران با هدف تحصّن در دانشگاه تهران، پیام روشنی برای بختیار داشت که اگر فرودگاه بازگشایی نشود، اتفاقات بدی در پیش خواهد بود. علمایی که در دانشگاه تحصّن کرده بودند از سران انقلابی بودند که هر کدام از آنها می‌توانستند با سخنرانی، اعلامیه و بیانیه تحرکات انقلابی گسترده‌ای را دامن بزنند. از زمان آغاز تحصّن تا یک ساعت بعد، آقایان بهشتی، مطهری، منتظری، ربانی‌شیرازی، هاشمی‌رفسنجانی، مهدوی‌کنی، باهنر، محلاتی، خلخالی، ربانی املشی، آذری‌قمی، باقری‌کنی، جلالی‌خمینی، کروبی، انواری با یک دستگاه مینی‌بوس از درِ غربی وارد دانشگاه تهران شدند (خلخالی، ۱۳۷۹: ۲۷۲). آیت‌الله طالقانی نیز ساعت پنج بعدازظهر به جمع متحصّنین پیوست (کیهان، ۱: ۱۳۵۷).

با حضور علما و تحصّن آنها در دانشگاه تهران، آن مکان به قلب تحولات آتی در کشور تبدیل شد و پیام روشن و فوری آن، این بود که باید فرودگاه برای استقبال از امام باز شود.

۵-۳. بازتاب تحصّن در مطبوعات

حوادث مختلف اجتماعی زمانی بازتاب مؤثری پیدا می‌کنند که در مطبوعات و رسانه‌ها انعکاس داشته باشند. انعکاس اخبار حوادث در مطبوعات و رسانه‌ها به درجه اهمیت آن حوادث ربط دارد. خبرهای غیرمهم معمولاً بازتاب رسانه‌ای، پیدا نمی‌کنند. حوادث مهم

معمولاً مورد توجه رسانه‌ها و مطبوعات قرار می‌گیرند تا بتوانند ضریب رسانه‌ای داشته باشند. تحصن علما در دانشگاه تهران به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن بر حوادث بعدی و نیز داشتن مؤلفه‌های مهم خبری و رسانه‌ای به‌زودی در مطبوعات آن زمان انعکاس پیدا نمود. با مرور مطبوعات آن‌روز، می‌توان فهمید که تقریباً همه روزنامه‌های مهم آن زمان، خبر و حتی جزئیات آن را پوشش دادند. روزنامه اطلاعات و روزنامه کیهان به عنوان دو روزنامه مهم و تأثیرگذار به طور مرتبط، همه جزئیات آن تحصن را از روز هشتم تا روز یازدهم پوشش دادند. تعداد، زمان و میزان حضور علما، سخنرانی‌های علما، بیانیه علما در تأیید و حمایت از تحصن کنندگان، کمک و پشتیبانی مردم از آنها، جمعیت حاضر در تحصن و اطلاعیه آنها را پوشش دادند (کیهان، ۱۳۵۷: ۱، اطلاعات، ۱۳۵۷: ۸).

علاوه بر بازتاب تحصن در رسانه‌ها و مطبوعات، خود تحصن کنندگان از شخصیت‌ها و علمای اهل قلم و سخنرانی بودند. در همان روز نیز نشریه‌ای را راه‌اندازی نمودند که محتواهای تولیدشده در تحصن، اعم از سخنرانی، بیانیه و ... را بتوانند انعکاس داده و به اطلاع عموم مردم برسانند. بنابراین نشریه‌ای با عنوان تحصن را راه‌اندازی نمودند و مطالب مرتبط با تحصن را در آن درج و اطلاع‌رسانی نمودند. آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتشار تحصن و برنامه‌های آن چند روز می‌گوید:

«... بلافاصله یک اعلامیه منتشر کردیم. یعنی اولین کاری که کردیم یک اعلامیه نوشتیم گفتیم که این اعلامیه پخش بشود و ما حضورمان در اینجا آن وقتی فایده خواهد داشت که زبان و بیان همراهش باشد و این کار را کردیم و این سیاست را ما تا آخر هم ادامه دادیم و همین بود که اثر کرد. زیرا که اگر سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها نبود مفهوم نمی‌شد که چه کاری انجام گرفته، نه مردم در جریان قرار می‌گرفتند و تبلیغات دستگاه هم می‌توانست شاید آن را جور دیگری جلوه بدهد. لذا بود که چند تا برنامه در دانشگاه بود: یکی سخنرانی‌هایی بود که مستمراً در مسجد دانشگاه انجام می‌گرفت که همه ماها هر کدام یک

برنامه سخنرانی را اینجا گذاشتیم و دیگران سخنرانی می کردند. یکی اعلامیه ها بود، یکی هم یک نشریه، یک بولتن روزانه ما منتشر می کردیم.» (مصاحبه با شبکه ۲ سیما درباره خاطرات ۲۲ بهمن، ۱۱ بهمن ۱۳۶۳).

مطبوعات آن روز بیانیه تحصّن کنندگان را پوشش دادند. متن بیانیه ای که توسط مطبوعات آن روز پوشش داده شده و در اسناد مراکز اسنادی نیز موجود است به عنوان اولین بیانیه تحصّن کنندگان، مردم را چنین مخاطب قرار داد:

«باسمه تعالی»

ملت مسلمان ایران

حکومت غیرقانونی و غاصب شاپور بختیار در بی شرمی و اهانت به حیثیت ملت ایران، روی پیشینیان نوکرسفت خود را سفید کرد. در روز جمعه ۶ بهمن در تهران، تبریز، رشت، گرگان، آبادان، سنندج و بعضی شهرستان های دیگر دست به کشتارهای فجیع و وحشیانه زد و با بستن فرودگاه های کشور بر روی رهبر محبوب ملت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه احساسات پاک شرافتمند ملت ایران را که با قلبی لبریز از عشق با دیدگانی پر از اشک شوق در انتظار مقدم فرخنده رهبر عظیم الشان خود بود سخت جریحه دار ساخت و خشم سهمگین ملت ایران که ریشه او و اربابانش را خواهد سوخت بیش از پیش برانگیخت. اینجانبان به عنوان اعتراض به اعمال ضدانسانی دولت غیرقانونی بختیار از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۸ بهمن ماه جاری تا بازگشت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه به وطن و به آغوش پرمهر ملت، در مسجد دانشگاه تهران تحصّن اختیار می کنیم و از این محل مقدس در کنار برادران دانشجوی خود، ندای حق طلبانه خود را به گوش جهانیان خواهیم رساند.

برقرار باد جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی

روحانیون متحصّن مسجد دانشگاه تهران

۱۳۵۷/۱۱/۸ (۲۹ صفر ۱۳۹۹) «(کیهان، ۱۳۵۷: ۱)

۴-۵. بازتاب تحصن در تاریخ شفاهی

معمولاً حوادث مهم از یاد و خاطر انسان پاک نمی‌شود به‌ویژه آنکه آن حادثه تأثیر زیادی بر حوادث بعد از خودش داشته باشد. با مروری بر مصاحبه‌ها و خاطرات علما و شخصیت‌های انقلابی، به‌خوبی می‌توان فهمید که تحصن علما در دانشگاه تهران در تاریخ هشتم بهمن ۱۳۵۷ یکی از حوادث مهمی است که اکثر آنان به یاد دارند و در لابه‌لای خاطرات خود به آن پرداخته‌اند و نیز به تأثیر آن در بازکردن فرودگاه‌ها و زمینه‌سازی برای حوادث بعد اشاره داشته‌اند. در اینجا به‌اختصار به چند نمونه اشاره می‌نمایم:

آقای مهدوی کنی در خاطرات خود می‌گوید: «... دولت بختیار مانع ورود امام شد و فرودگاه‌ها را بست. به دنبال این اقدامات، آقایان علما از بلاد مختلف به دانشگاه تهران آمدند و در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند. بنده چون در کمیته استقبال بودم در آنجا تحصن دائم نداشتم. عده‌ای شبانه‌روز در آنجا بودند و بعضی‌ها هم به آنجا آمدورفت داشتند. ... این تحصن به خاطر اعتراض به دولت در جلوگیری از ورود امام بود» (خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، ۱۳۹۶: ۱۹۰-۱۸۹).

آقای سید محمد خامنه‌ای از جمله روحانیونی بود که ارتباط زیادی با دانشگاه، به‌ویژه دانشگاه تهران داشت و در جریان تحصن حضور یافت. وی در خاطرات خود به حضور مردم اشاره می‌کند و می‌گوید: «مردم مثل مجالس روضه و عزاداری مرتب می‌آمدند و می‌رفتند و مسجد پر و خالی می‌شد. در اتاق‌های مجاور هم خبرنگاران داخلی و خارجی در حال مصاحبه و عکس‌برداری بودند. یک روز هم آقای بهشتی یک مصاحبه بین‌المللی گذاشت» (خاطرات آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۳۲).

آقای طاهری خرم‌آبادی در خاطرات خود از تحصن روحانیان در مسجد دانشگاه تهران می‌گوید:

«در میان روحانیون، نظریه تحصن در دانشگاه تهران طرفدار بیشتری داشت و بنده به اتفاق آقایان مطهری، خامنه‌ای، ربانی‌املشی، ربانی‌شیرازی و گروهی دیگر با مینی‌بوس راهی دانشگاه شدیم و اول صبح آنجا بودیم. وقتی وارد دانشگاه تهران شدیم بیست نفر از دانشجویان که از تحصن ما آگاه شده بودند در آنجا حاضر شدند و آیت‌الله مطهری، روی پله‌های مسجد دانشگاه ایستادند و اعلام کردند که ما در اعتراض به دولت که از ورود امام خمینی به کشور جلوگیری کرده‌اند در اینجا متحصن می‌شویم و در همین جا به دنیا اعلام می‌کنیم تا برطرف شدن مانع، به تحصن خود ادامه خواهیم داد» (خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

آقای دستغیب در خاطرات خود درباره تحصن در مسجد دانشگاه تهران می‌گوید:

«در یک پیام سری به عموم روحانیون اعلام شد که هر چه سریع‌تر خود را به مسجد دانشگاه تهران برسانند و در تحصنی در اعتراض نسبت به ممانعت از بازگشت امام خمینی به کشور شرکت کنند. ما نیز طبق قرار با فاصله از یکدیگر و پراکنده وارد دانشگاه تهران شدیم تا عناصر رژیم حساس نشوند و مانع ورود ما نگردند. عده زیادی از مردم نیز در محوطه اطراف مسجد اجتماع کردند و ما از آنان درخواست کردیم که با توجه به سرمای شدید و کمبود امکانات به منازل خود بروند. اما مردم حاضر به ترک آنجا نبودند و می‌گفتند ما می‌ترسیم اگر دانشگاه را تخلیه کنیم رژیم خون‌آشام با یک حمله همه شما را از بین ببرد» (خاطرات حجت‌الاسلام سید علی‌اصغر دستغیب، ۱۳۸۷: ۷۷-۷۸).

۵-۵. بازتاب تحصن در شهرستان‌ها

تحصن منحصر در دانشگاه تهران نبود بلکه در کل کشور بازتاب داشت. عده‌ای از علما خودشان را به تهران می‌رساندند و یا اینکه در همان شهر تحصن شکل می‌دادند. در این

تحصن برخی از علما از شهرستان‌های مختلف هم حضور داشتند که نشان می‌دهد این تحصن ابعاد ملی داشته و از نقاط مختلف کشور در آن حضور داشتند. به عنوان نمونه به خاطرات آقای عبدوس اشاره می‌شود. عبدوس که در قم ساکن بود در خاطرات خود عنوان می‌کند: «در هر حال مطلع شدیم که فرودگاه را بستند و حضرت امام نمی‌توانند بیایند. در اعتراض به این مسئله تعدادی از علما تصمیم می‌گیرند در دانشگاه تهران تحصن کنند. پس از اینکه ما از موضوع مطلع شدیم، همراه برخی از دوستان طلبه از قم به تهران آمديم. ... در مسجد علما سخنرانی داشتند. شهید بهشتی از جمله سخنرانان این تحصن بود.» (خاطرات حجت الاسلام والمسلمین عبدوس، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

همچنین آقای نورمفیدی که از شخصیت‌های انقلابی گرگان بود، در خاطرات خود اشاره می‌کند: «حدود دوسه روز که در تهران ماندیم، اطلاع دادند، دولت بختیار گفته ما اجازه نمی‌دهیم که امام به ایران بیاید، لذا فرودگاه‌ها را بست. وقتی این قضیه اتفاق افتاد بنا شد در دانشگاه تهران تحصن شود. ما هم به متحصنین آنجا پیوستیم. ... این تحصن چند روز طول کشید. شب‌ها همان‌جا می‌خوابیدیم» (خاطرات آیت‌الله نورمفیدی، ۱۳۸۵: ۲۷۵).

همچنین در برخی از استان‌ها هم تحصن جدیدی شکل گرفته بود. به عنوان نمونه در مرکز کشور و در اولین استانی که در آن حکومت نظامی رژیم پهلوی اعلام شد، صدها تن از علما و روحانیان و اقشار مختلف مردم هم‌زمان با تحصن دانشگاه تهران، در مسجد سید اصفهان تحصن خود را آغاز کردند که به گفته حجت‌الاسلام محمدحسن رحیمیان، یکی از همان تحصن‌کنندگان، چنین تجمعی از علما و وعاظ اصفهان در یک‌زمان و یک‌مکان بی‌نظیر بود. جدیت و همت همگانی اصفهانی‌ها به حدی بود که آیت‌الله سید عبدالحسین طیب که مؤلف تفسیر بزرگ «طیب‌البیان» و از ارکان علم و تقوا در حوزه اصفهان بود، با وجود شرایط سنی نامساعدش، در صدر تحصن‌کنندگان حضور داشت.

صدور بیانیه در این گونه تحصّن ها که علما حضور داشتند کاری لازم و مرسوم بود. علمای تحصّن کننده اصفهان در روز ۱۱ بهمن ماه اعلامیه‌ای با چندین امضاء صادر کردند که در آن آمده بود:

«بسمه تعالی شأنه

تحصّن روحانیون اصفهان

به منظور اعتراض نسبت به حملات و کشتارهای وحشیانه مردم مسلمان و آزادی‌خواه ملت ایران در تهران و سراسر کشور به دست عمّال دولت متجاوز و غیرقانونی بختیار که هدفی جز خدمت به استعمار سرکوبی جنبش قانونی ملت ایران و همچنین اعتراض نسبت به بهانه‌جویی‌های غیرموجه و مغرضانه در مورد تشریف‌فرمایی رهبر دینی و ملی، قائد عظیم‌الشان حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی که مردم با بی‌صبری در انتظار ورود ایشان هستند، روحانیون اصفهان ضمن ابراز انزجار از این گونه اقدامات غیرانسانی با اعلام همبستگی با روحانیون متحصّن در مسجد اعظم قم و مسجد دانشگاه تهران و سایر روحانیون کشور و تمام اقشار ملت از تاریخ اول ربیع الاول ۱۳۹۹ در مسجد سید اصفهان متحصّن گردیدند.»

علمای برخی از شهرستان‌ها هم با ارسال نامه تلاش کردند حمایت خود را در این زمینه اعلام نمایند. به‌عنوان نمونه در نامه‌ای که جمعی از علمای قزوین با عنوان هیئت علمیه شهرستان قزوین به تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۵۷ تدوین شده به حمایت از علمای تحصّن کننده در مسجد دانشگاه تهران پرداخته‌اند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازپایی: ۰۱۷۵۹۰۰۱). علاوه بر آن، علما از جمله آیت‌الله صدوقی در یزد اعلامیه حمایت از تحصّن جامعه روحانیت در دانشگاه تهران و هشدار به دولت غیرقانونی صادر نمود. در اعلامیه به دولت بختیار اعلام می‌نماید که باید فرودگاه را برای ورود امام مهیا نماید وگرنه آثار سوئی خواهد داشت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازپایی: ۰۲۱۰۱۰۶۵).

۵-۶. تأثیر تحصن بر تحولات بعدی

تحصن علما و روحانیان در اسناد مراکز نظامی و امنیتی نیز بازتاب داشت. پلیس تهران در این باره گزارش کرده بود که در حدود چهارصد نفر از صبح روز ۸ بهمن ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران اجتماع کرده و بعد به عنوان اعتراض به نیامدن [امام] خمینی شب را در مسجد دانشگاه بیتوته و متحصن شده‌اند. فرمانداری نظامی تهران و حومه نیز از این تحصن خبر داده بود که تعدادی از روحانیان متحصن در دانشگاه تهران، دانشجویان و مردمی که در آنجا بوده‌اند، تشویق و تحریک نموده‌اند که ژاندارمری تعدادی از ما را کشته است، خود را برای یک حمله متقابل و نشان دادن قدرت و ضرب و شست آماده کنید. این تحصن ترس عجیبی در دولت بختیار ایجاد کرده بود. چون هر روز تعداد تحصن کنندگان زیاده‌تر و رفت و آمد مردم، خبرها، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و مصاحبه‌های آن در فضای عمومی منتشر می‌شد. به‌ویژه که آقای بهشتی مصاحبه بین‌المللی با خبرنگاران خارجی تنظیم کرده بود. «آقای بهشتی یک میز (به اصطلاح فرنگی: پانل) به گنجایش پنج نفر گذاشته بود و خودش مثل شیر وسط نشسته بود. به نظرم یک طرفش هم آقایان منتظری و ربانی شیرازی و طرف دیگرش باهنر و آقای اخوی بودند. مترجم آنها هم خانم دکتر طاهره صفارزاده بود.» وی در ادامه بیان می‌کند: «موضوع مصاحبه نوعاً تحصن، تئوری و هدف از حرکت انقلابی و مانند اینها بود که اول آقای بهشتی و بعد دیگران به تناسب موضوع جواب می‌دادند و آقای بهشتی به زبان انگلیسی لهجه‌دار می‌گفت «نکست کوسچن» (next question) سؤال بعدی. روی هم رفته این مصاحبه علنی عمومی در آن روزها دلیلی بر اعتماد به نفس انقلاب و انقلابیون و ضعف دستگاه امنیتی بود» (خاطرات آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۳۳).

در آن روزها اتاقک کنار مسجد دانشگاه به مرکز رهبری تحصن و به نوعی رهبری انقلاب در تهران بدل گردیده بود. چند کمیته اصلی جهت تحصن تشکیل شد که برخی از آنها

عبارت بودند از: کمیته علمای شهرستانی و کمیته پشتیبانی (جهت تهیه غذا و امکانات). کمیته مهم دیگری هم وجود داشت به نام کمیته تبلیغات که مسئولیت آن با آیت‌الله خامنه‌ای بود و نشریه‌ای هم در همان ایام منتشر می‌کرد. رهبر انقلاب در همین باره بیان کرده است:

«من فراموش نمی‌کنم آن روز با مرحوم آقای بهشتی دو نفری آمدیم و از در شرقی دانشگاه وارد شدیم. یکی از دوستان عزیز و علمای محترم که الان هم بحمدالله تشریف دارند، قبلاً رفتند آنجا، هماهنگی کردند و در شرقی دانشگاه را باز کردند- چون در جنوبی که در اصلی بود، [تحت کنترل رژیم بود و] روی ما باز نمی‌شد- و ما از آنجا وارد دانشگاه شدیم، رفتیم توی مسجد دانشگاه، و بنده رفتم توی آن اتاق عقب مسجد- که یک اتاق کوچکی بود، نمی‌دانم حالا هم هست یا نه- آنجا مستقر شدیم و از همان روز اول، نشریه تحصن را راه انداختیم. ما یک نشریه منتشر کردیم که چند شماره از همان روز اول آنجا منتشر شد؛ نشریه تحصن» (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳ بهمن ۸۸).

آقای طاهری خرم‌آبادی که خود قائم‌مقام کمیته تبلیغات بود، درباره اهمیت نقش آن کمیته چنین گفته است: «آقای خامنه‌ای مسئول کمیته تبلیغات شدند و من هم در جایگاه قائم‌مقام و معاون ایشان همکاری می‌کردم. یکی از دانشکده‌ها را به کمیته تبلیغات اختصاص دادند و افرادی هم به عضویت این کمیته درآمدند. در کمیته تبلیغات، مطالبی که باید در روزنامه‌ها مطرح می‌شد موردبررسی و تصویب قرار می‌گرفت. در مجموع، فعالیت‌های تبلیغاتی تحصن را که در واقع از کارهای اساسی و اصلی بود این کمیته انجام می‌داد» (خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۸۵). آیت‌الله احمد جنتی هم به عنوان سخنگوی تحصن‌کنندگان انتخاب شد (حسینیان، ۱۳۸۵: ۹۱۱). شکل‌گیری این کمیته و نیز ارتباط رسانه‌ها و بازتاب گسترده آن در مطبوعات باعث شده بود که ترس و رعبی در

دولت بختیار ایجاد شود که از موضع خود عقب‌نشینی کند. فشار شدیدی که تحصن هوشمندانه و به موقع علما و بازتاب گسترده آن به بختیار وارد می‌کرد بسیار زیاد بود و او را سخت به تکاپو انداخته بود. او حتی در این راه به مذاکره غیرمستقیم با سران تحصن هم روی آورده بود، گرچه نمی‌توانست آنان را به سازش و کوتاه آمدن بکشد. به گفته آقای جمی: «ما می‌دانستیم که بختیار دستپاچه شده با بعضی از این بزرگان دست‌اندرکار تحصن و کمیته استقبال تماس‌هایی می‌گیرد. با آقایانی مثل شهید مطهری و بهشتی تماس می‌گرفت که یک کاری بکنند. اینها هم قرص و محکم می‌گفتند که غیر از این راهی نیست و باید حتماً امام بیاید و این تحصن به هم نمی‌خورد، تا امام بیاید» (خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین جمی، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

به‌هرحال بختیار وقتی متوجه شد نمی‌تواند سران را به سازش بکشد و از طرفی دیگر هم نمی‌تواند در برابر فشارهای زیاد ناشی از تحصن مقاومت کند، درنهایت تسلیم خواست تحصن‌کنندگان و مردم حامی آنها شد. بنابراین از طرف دولت اعلام شد که مانعی جهت ورود امام به میهن وجود ندارد و این تحصن موجب شد رکن اصلی پیروزی انقلاب (یعنی حضور امام در کشور در آن مقطع) محقق شده و بدین‌جهت باید این تحصن را از اصلی‌ترین رویدادهای انقلاب اسلامی محسوب نمود.

۱. ارائه مدل

۱. بازتاب در مطبوعات		
۲. بازتاب در شهرستان‌ها	الف) انتخاب مکان مناسب (مسجد دانشگاه تهران)	سطوح بازتاب تحصن علما در دانشگاه
۳. بازتاب در تاریخ	ب) انتخاب زمان مناسب	

تهران	(هشتم بهمن ۱۳۵۷)	شفاهی
		۴. تأثیر بر تحولات بعدی

نمودار شماره (۲) _ سطوح بازتاب تحصّن علما _ (نویسنده)

نتیجه گیری

پیروزی انقلاب اسلامی که با هدایت و رهبری، رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی و همراهی و مجاهدت علما و شخصیت‌های علمی و دینی و نیز تلاش‌ها و مجاهدت‌های مردم مسلمان ایران در طی پانزده سال به ثمر نشست، دودمان پهلوی را به تاریخ سپرد و فصل جدیدی از حکومت اسلامی را در تاریخ این سرزمین رقم زد. در طی این پانزده سال اتفاقات و حوادث مهمی صورت گرفت که هر کدام تأثیر خود را داشت. در سال ۱۳۵۷ به دلیل سرعت تحولات و نیز اثرگذاری وقایع، برخی از حوادث می‌توانست سرنوشت انقلاب را دگرگون نماید. تحصّن علما در ۸ بهمن ۱۳۵۷ در مسجد دانشگاه تهران در اعتراض به اقدام شاپور بختیار در اعتراض به لغو برنامه ورود امام خمینی به کشور یکی از مهم‌ترین رویدادها بود. واقعه تحصّن علما، هم به لحاظ نوع حضور علما و مردم، هم از حیث کیفیت مواجهه با دولت بختیار، هم از نظر زمان آن و هم به علت برپایی آن در مسجد دانشگاه تهران، مجموعه ویژگی‌های خاصی داشت که به عنوان یک واقعه مهم و اثربخش در تاریخ انقلاب اسلامی قابل مطالعه است. تأثیرات آن واقعه را می‌توان در مطبوعات آن روز، در تاریخ شفاهی علما و شخصیت‌های انقلابی، در تحولات شهرستان‌های مختلف کشور و نیز بر تحولات بعد آن، که مهم‌ترین آن تغییر در تصمیم دولت برای بازگشایی فرودگاه‌ها بود، به خوبی مشاهده کرد. بختیار متوجه شد که این

تحصن عواقب زیادی برای دولتش به بار خواهد آورد و از طرفی دیگر هم نمی تواند در برابر فشارهای زیاد ناشی از تحصن مقاومت کند، در نهایت تسلیم خواست علما و مردم متحصن شد و اعلام کرد که مانعی جهت ورود امام به میهن وجود ندارد. بنابراین این تحصن به موقع و تأثیرگذار موجب شد رکن اصلی پیروزی انقلاب (حضور رهبر انقلاب در کشور) محقق گردید و از این نظر باید این تحصن را از اصلی ترین حوادث برنامه ریزی شده انقلاب اسلامی محسوب نمود.

کتابنامه

الف) اسناد:

مراسن (مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، ش. بازیابی: ۰۱۷۵۹۰۰۱؛ ۰۲۱۰۱۰۶۵.

ب) کتابها:

حسینیان، روح الله، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه (بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

خاطرات آیت الله سید محمد خامنه ای، تدوین: جواد کامور بخشایش و جواد عربانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

خاطرات آیت الله سید هاشم رسولی محلاتی، تدوین: احمد رشیدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی (از تبعید امام (ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی)، ج ۱، تدوین محمدرضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۷.

خاطرات آیت الله محمدرضا مهدوی کنی، تدوین: دکتر غلامرضا خواجه سروی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۳، ۱۳۹۶.

خاطرات آیت الله نورمفیدی (از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی)، تدوین غلامرضا خارکوهی، ج

۱، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

خاطرات حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی عبدوس، تدوین حسن شمس آبادی، تهران، مرکز

اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

خاطرات حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

خاطرات حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین جمی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

خالصی، عباس، تاریخچه بست و بست نشینی، تهران، ۱۳۶۶.

خلخال، صادق، خاطرات آیت الله خلخال، تهران، نشر سایه، ۱۳۷۹.

{امام} خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی، چ ۷، ۱۳۸۳.

ستوده، امیررضا، سیدناصری، حمیدرضا، پاره ای از خورشید: گفته ها و ناگفته ها از زندگی استاد

شهید مرتضی مطهری، تهران، کر مبین، ۱۳۸۸.

قره باغی، عباس، اعترافات ژنرال، تهران، نشر نی، ۱۳۶۵.

مجدفر، فاطمه، جامعه شناسی عمومی، تهران، شعاع، ۱۳۸۲.

مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱۷، ۱۳۹۱.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، زرین، ۱۳۷۱.

ج) روزنامه ها:

روزنامه اطلاعات، ۸ بهمن ۱۳۵۷.

روزنامه کیهان، ۹ بهمن ۱۳۵۷.

شاهد یاران، تیرماه ۱۳۸۹، شماره ۵۶، صفحه ۱۱.

د) مقاله ها:

بررسی تاثیر تحسن علما در دانشگاه تهران بر روند پیروزی انقلاب اسلامی؛ رویکردی توصیفی..... ۲۷۹

افتخاری، اصغر، «قدرت سیاسی، حوزه عمومی و جمهوری اسلامی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**،

س ۲، ۱۳۷۷

شفیعی، احمد، «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، **حصون**، ش ۷، ۱۳۸۵

هـ) مصاحبه‌ها و بیانات:

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳ بهمن ۱۳۸۸.

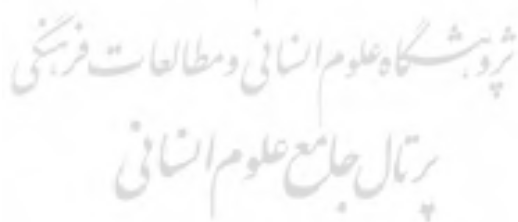
مشروح خطبه‌های نماز جمعه آیت‌الله خامنه‌ای، ۷ بهمن ۱۳۶۳.

مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای با شبکه ۲ سیما درباره خاطرات انقلاب اسلامی، ۱۱ بهمن ۱۳۶۳.

و) منابع لاتین

Bailey, K. D. *Methods of Social Research*. New York: The Free Press, 1994.

Mogalakwe, M. *The Use of Documentary Research Methods in Social Research*. *African Sociological Review*. Volume 10, 2006, pp 221-230.



مالعی لیست

آیت الله طالقانی به جعفر و حامیانو متعصبین پیوست

آیت الله العظمی طالقانی در بیانیه‌ای که در روز شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۷ در شهر قم صادر کرد، به جعفر و حامیان و متعصبین پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد. وی در بیانیه خود به جعفر و حامیان و متعصبین پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد.

دلیل دولت برای کشتار مردم یاسی است

دولت عراق در بیانیه‌ای که در روز شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۷ در شهر بغداد صادر کرد، به کشتار مردم یاسی پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد. وی در بیانیه خود به کشتار مردم یاسی پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد.

کشتار کربلا جانان آقا فتنه گار

کشتار کربلا جانان آقا فتنه گار است و از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد. وی در بیانیه خود به کشتار کربلا جانان آقا فتنه گار پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد.

آیت الله طالقانی به جعفر و حامیانو متعصبین پیوست

آیت الله العظمی طالقانی در بیانیه‌ای که در روز شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۷ در شهر قم صادر کرد، به جعفر و حامیان و متعصبین پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد. وی در بیانیه خود به جعفر و حامیان و متعصبین پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد.

دلیل دولت برای کشتار مردم یاسی است

دولت عراق در بیانیه‌ای که در روز شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۷ در شهر بغداد صادر کرد، به کشتار مردم یاسی پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد. وی در بیانیه خود به کشتار مردم یاسی پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد.

کشتار کربلا جانان آقا فتنه گار

کشتار کربلا جانان آقا فتنه گار است و از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد. وی در بیانیه خود به کشتار کربلا جانان آقا فتنه گار پیوست و اعلام کرد که از این لحظه به بعد با آنها در یک صف قرار می‌گیرد.



۵۰ روزنامه نگار بازداشتی آزاد شدند

پنج روزنامه نگار ایرانی که در اردیبهشت ماه سال گذشته در زندان‌های ایران بازداشت شده بودند، پنجشنبه (۲۲ خرداد) آزاد شدند.

به گزارش «پایگاه خبری حقوق بشر» از تهران، پنج روزنامه نگار ایرانی که در اردیبهشت ماه سال گذشته در زندان‌های ایران بازداشت شده بودند، پنجشنبه (۲۲ خرداد) آزاد شدند. این روزنامه نگاران عبارتند از: «...»

این روزنامه نگاران پس از گذراندن ۵۰ روز در زندان‌های ایران، آزاد شدند. این روزنامه نگاران عبارتند از: «...»

اطلاعیه شهرک اکباتان

معاونت درمان و خدمات بهداشتی درمانی
معاونت بهداشتی و خدمات درمانی
معاونت بهداشتی و خدمات درمانی

در ناهارهای مقابل جغرافیائی

ارشد یک نفر گشته شد

در ناهارهای مقابل جغرافیائی
ارشد یک نفر گشته شد

نوفیعی در باره استخوان قدیمی

رسوی

نوفیعی در باره استخوان قدیمی
رسوی

نوفیعی در باره استخوان قدیمی

رسوی

نوفیعی در باره استخوان قدیمی
رسوی

پیوستن آیت‌الله طالقانی به روحانیان تحصّن‌کننده (روزنامه کیهان؛ ۹ بهمن ۱۳۵۷)



فردا مردم تیران
بزرگترین
استقبال قرن را
برپا میکنند

تکست و ترجمه

حرکت وسایل سنگین نظامی و شایعه کودتا

در تهران

پیام آیت الله طالقانی به ارتشمنان:

برادران
ارتشی
رو روی مردم
بغ نگشاید

Il 2014-2018

کودتای امریکائی در شرف انجام است

دستور تخلیه
امریکائی ها
از ایران
صادر شد

هزار هزار با جوابها های نظامی می گردزند.

مدیر عامل تلویزیون گفت به‌احتمال زیاد مراسم استقبال امام خمینی از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود

آرایش گروهها مقارن باور و دامام

در صفحه ۲ | در صفحه ۲

اولین هواپیمای
حامل خبرنگاران
و عکاسان و یکی

از یاران امام
خمینی امروز در
تهران به زمین
نخست

۱۷۲ نماینده هنوز میگویند: پارلمان را از لایمی کشید:

**رقم نمایندگان
مستغفی
بالامیرود**

Table 20

اطلاعیہ کارمگران کارخانجات
ایران ناسیونال

[illegible]

اطلاعيه

یگانه خبریه دارویشی که گلیه سیمپان آن
معلق به پوتولک میشانده هله این که مشکلاک
موجود تدارکات تریله دارویشی مورد احتیاج
موجوده میچیان دارو خود اورد همدیه و منظم
تاریخه سرور و دارویشی دارویشی (و غیره) که
توشی یونانه دوری کارکنان خود داده امکان
کارشایی داره دست .

بعضوکار که گلیه و فیزیکی و بیماریان و گشود
این یگانه امکانی تحویل ورزید دارو و دارو
داره، گلیه هیه میسکینی میونانده سئیلیه به
این یگانه مراجعه ورزید این یگانده .

یگانه خبریه دارویشی
تهران : خیابان دایرهامون فلانی
سومستانیه به نمایندگی دارویشی

موج همبستگی بارو حانیون مبارز متحصن

[illegible]

دیور کل
معاونش
از
اجرا
کردند

[illegible]

موج همبستگی مردم با روحانیان تحصّن کننده (روزنامه اطلاعات ۱۱ بهمن ۱۳۵۷)



نشریه تحصّن در دانشگاه تهران





اعلامیه تحصّن روحانیان اصفهان در حمایت از روحانیان تحصّن کننده در دانشگاه

تهران

علما، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران

[illegible]

بحمدہ تعالیٰ

اینجانبان به عنوان اعتراض به اعمال ضد انسانی دولت قمر قانونی بختیار / ازساخت ۱۰۰ م.ج
روز گذشته ۸ بهمن ماه جاری تا بازگشت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام القبولین
با اعوان و یار از صهر ملت ، در مسجد دانشگاه تهران محضرین اختیار میکنم و از این محل مقدس در
کنار پروفسور و دانشمندی خود ، صدای حق البان خود را بگوشه اینان خواهند رساند .

وہاں تک کہ وہ خود اپنے آپ کو ایک ایسا ہی شخص سمجھتا ہے۔

اعلامیه تحصّن روحانیان شهرستان‌ها و تهران در مسجد دانشگاه تهران

۰۱۷۵۹۰۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۴

دانشگاه تهران

۳۰ صفر ۹۹ هـ ق حضرت علامه عسکری عجل الله فرجه و سلام دامت برکاته

پس از تبلیغ اسلام موفقیت و پیروزی ملت مسلمان ایران را در پی پایداری
و استقامت شما پیتانان از دشمنان انقلاب بر جبهه ز عیسیم بزرگوار حضرت
نایب الامام حسین از درگاه احدیت خواستیم بهشت علیه السلام
قزوین رفا و غیران است و است غیر قانونی ش پرر بختیار را در جبهه گری و حمایت
از درود در جبهه عظیم انان انقلاب و اشغال نظامی فردگاههای کشور معلوم نموده
بمنظور تسهیل از تحصن پر از دانش آگاهی بصنوف شما پیوسته و خواهند بود.

رحیم است . محمود تربیت نمودن عباس ابروایی . هادی بکرایی
از حق مبرک رسید اما آجمنه . سید قیس زارادی . سید علی تقوی
محمد عیسی ادوی . هادی نیکم . جواد موسی (عسری) . محمد نظری
سید علی اصغر عدوی . نرالدین حسین (لا شکر در)

پرتال جامع علوم انسانی

۳۰ صفر ۱۳۹۹

۰۲۱۰۱۰۶۵

متن اعلامیه حضرت آیه ... صدوقی در مورد پشتیبانی از تحقن جامعه روحانیک دردانشگاه تهران
و هشدار به دولت غیرقانونی

بسم الله رب العالمین

ملت مسلمان و شریف ایران، امپریالیسم تجاوز و زارنگر آمریکا و متحدین او جهت حفظ منافع استعماری خویش و خنثی کردن فعالیتها و اقدامات سازنده انقلاب مقدس ایران، در این لحظه از زمان ناباوریه حضرت آیت‌الله خمینی به ایران هر چه سریعتر و با رورتن صورت میگیرد. به کمک نزدوران وصال سرسپرده داخلی، مشغول اجرای توطئه‌های شومی است که همه آنها ملت شریف کم و بیش از آن گاهن دارند. این توطئه‌ها اقدامات استعماری و ضد ملی در کارنامه سیاستهای امپریالیستی آمریکا سابقه ای طولانی داشته و در تمام کشورهای که جنبشهای رهایی بخش ملت به مرحله شکوفایی و ثمررسانی رسیده است به اجرا گذاشته میشود. خوشبختانه تاکنون چنان و لگزان و وزیران آمریکائی در برابر انقلاب یکپارچه و همه جانبه ملت ایران که با نهادهای مذهبی آن از استحکام خلل ناپذیری خاص برخوردار است عقب نشینی نموده و مجبور شده اند که سنگرهای پویشی خود را یکی پس از دیگری تخلیه نمایند. آنها وقتی برای چندمین بار دیدند که دیپلماتی ژور و اتش نمیتواند در برابر ستیل جوشان خشم انقلابی ملت بیدار شده ایران مقاومت نماید و کشتارهای جمعی جز به تراکم هر چه بیشتر صفوف مبارزه مردم نی انجامد. با اتخاذ سیاست عوام فریبی و ریاکاری و سالوس‌دوری در موضع دیگری علیه ملت جبهه گرفتند و دنبال این تصمیم با شایر (بختیار عنصر خود فروخته و مزدور وازد معامله گردیدند، بختیار بعنوان یکی از اعضای اجزای مخالف بهترین عنصری بود که میتوانست با نگاه سابقه عدم مداخله سیاسی در ۲۰ سال گذشته عملاً منافس امپریالیسم آمریکا را در ایران حفظ نموده و در یک جبهه زی و تزویر و تبلیغات عوامفریبانه و سفسطه آمیز علیه انقلاب ایران مبارزه تازه ای را بشکل جدید سازمان بخشی نماید. بختیار را استفاده از فرمایشات از ایران و یکسری وعده های عوامفریبانه از قبیل انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور و جایگزینی آن با سازمان امنیت و اطلاعات !!! و محاکمه وزیر خائنکار که همگی آنها از همین مجلسین غیرقانونی که بخود بختیار هم رای اعتماد دادند، رای اعتماد گرفتند، مذبحخانه میکوشد که توطئه های شوم آمریکائی را در ایران اجرا نموده و اقدامات سازنده انقلاب را که در این برهه از زمان از حساسیت ویژه ای برخوردار است عقب نماید.

خوشبختانه بالطف پروردگار و رهبرهای داهیانم و روشنگرانم زعم مجاهد حضرت امام خمینی و فراست و هوشیاری تمام ملت شریف ایران از همان ساعات اول ماهیت غیرقانونی و ضد ملی بختیار و سرسپردگی کامل او به آمریکا و سایر دشمنان ملت بر ملا گردید و فرصتی به او دست نداد تا بتواند کوچکترین تزلزلی در موضع خصمانه ملت علیه همه اشکال استعمار بوجود آورد، تنها اقدام ناجوانمردانه او که بدنبال پیروی از سیاست دفع الوقت آمریکا و فرصت دادن بانجام نقشه های شوم امپریالیسم بود جلوگیری از ورود حضرت امام خمینی دام ظلّه در این لحظات حساس با ایران بود. بختیار با دستورگیری از آمریکا منبسی بر تعویق انداختن هر چه بیشتر حضور امام در ایران این فرصت را برای آمریکا بوجود می آورد که ضمن جلوگیری از اقدامات سازنده انقلاب و تشکیل دولت اسلامی توطئه های ضد ملی آمریکا را از قبیل صف آرائی ماموران ساواک بعنوان پیاده روی جناح موافق با قانون اساسی !!! و سایر اقدامات پشت پرده در ایران

۴۰

۰۳۹۰۹۰۶۶

تحقیق بخشید، اعلام مسافرت به پاریس و انجام این مسافرت خود بخشی از همین سیاست دفع
الوقت است که بختیار با تبلیغات عوامفریبانه تحت عناوین مختلف و با جملات زیبا و احترام آمیز به آمریکا
درصت میدهد تا در تعویق هرچه بیشتر ورود حضرت امام خمینی نقشه های شوم آنها به ثمر
گذاشته شود. لازم به یاد آوری است که حضرت امام خمینی از آغاز تا کنون حکومت بختیار را مکرر
غیر قانونی اعلام نموده و طی آخرین بیانیه خود مورخ ۵۷/۱۱/۷ برابر با ۲۸ صفر هرگروه مذکور
مستقیم و غیر مستقیم با نامبرده را تکذیب فرموده اند. علاوه بر آن باید آورگردد که به پیچیده حاضر
بملاقات با او نبوده، مگر وقتی که علناً ضمن استعفا از موضع غیر قانونی و غیر مشروع خویش بر کارگردد.
باتوجه به مطالب فوق الذکر و با عنایت به این مسئله که اعلام نقض نفوذگاه از ناحیه بختیار
جز در وفاداری و کذب محض چیزی نگیری نیست و اینها را نیز نفوذگاه صرفاً جهت مسافرت از مراجعت
حضرت امام خمینی از ناحیه بختیار بود. جامعه روحانیت تهران که عیار نمایندگان و پاسداران منافع
ملت میباشند بعنوان اعتراض علیه حرکت و تهاجم دولت دایر بر جلوگیری از ورود حضرت امام خمینی به
ایران در ساحت مقدس دانشگاه تهران متحصن گردیده اند. و سایر وجوه ملت همبستگی کامل خویش را
به متحصنین اعلام داشته اند. بدینوسیله نمایندگان و روحانیون همگام و همصد با متحصنین و بقیه اشرار
ملت خواستار باز شدن هر چه زود تر دروازه ها و رفع اشغال نظامی از آنها می باشند تا بدین ترتیب هرگونه
انحی در سر راه مراجعت حضرت امام خمینی بایران بر طرف گردد و مگر بدولت غیر قانونی بختیار هشدار
میدهیم که در صورت ادامه سیاستهای ضد ملی و ایجاد تضییقات در مسافرت بیشتر و رهبری وقت ملیون
ایرانی خشم مهار شده فعلی ملت ایران بیش از این قابل کنترل نبوده و انفجاران عوامی را پیش خواهد آمد.
که جز دولت غیر قانونی هیچ کس دیگری مسئول آن نخواهد بود. از آنجا که تا کنون حفظ ارزش و ایجاد واقع
نظم برعهده روحانیت بوده است لازم دانستیم که تا قیام همه جانبه ملت غیر ایران علیه پستین دروازه ها
بوسیله دولت مجرب به عواید سوئی نگردیده است مقامات مسئول هر چه زود تر اقدام عاقلانه در خصوص
فرودگاه بعمل آورند.

والسلام علی من اتبع الهدی

تهران - محمد الصدوقی

پیشگاه علم و دانش و مقامات رسمی
پرتال بین المللی علوم اسلامی

اعلام حمایت آیت الله صدوقی از تحصن روحانیان در دانشگاه تهران